

الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات

حجة الاسلام مهدی فیروزی*

چکیده

موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (W.T.O.) و پیامدهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، از جمله مهم ترین مباحثی است که طی سال های اخیر در کشور ما مطرح بوده است. با توجه به این که حدود ۹۰ درصد تجارت جهانی در اختیار اعضای سازمان تجارت جهانی است، در صورتی که کشوری بخواهد سهمی از این تجارت داشته باشد، باید ضمن عضویت در این سازمان، مقررات صادرات و واردات خود را با الزامات این سازمان تطبیق دهد. هر چند همواره نگرانی هایی برای کشورهای در حال توسعه در زمینه آزادی سازی تجارت خارجی و پیوستن به سازمان تجارت جهانی وجود داشته و دارد، ولی مطالعات انجام شده حاکی از آن است که برآیند آثار این تصمیم برای اکثر کشورهای در حال توسعه مثبت است؛ چرا که همراه نشدن با این سازمان آثار به مراتب ناگوار تری در پی خواهد داشت و موجب انزوای خواسته یا ناخواسته ی کشور از اقتصاد و تجارت جهانی خواهد شد.

به نظر می رسد با آغاز فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی، ایران ناگزیر خواهد بود بر اساس الزامات این سازمان، مقررات صادرات و واردات خود را در سه حوزه ی حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت های وارداتی و تشویق صادرات تعدیل کند.

واژه های کلیدی: سازمان تجارت جهانی (W.T.O.)، تجارت بین الملل، صادرات و واردات، گات (GATT).

مقدمه

موضوع «جهانی شدن»^۱ از پدیده‌های شگرفی است که طی دهه‌های اخیر ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. این فرایند به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم شتاب بیشتری یافته است. آثار ناگوار دو جنگ جهانی و رکود اقتصادی ناشی از آن از یک سو و نیاز به همکاری و هم‌گرایی جهانی از سوی دیگر، باعث شد تا روند جهانی شدن سرعت بیشتری به خود بگیرد، به طوری که تمامی عرصه‌های زندگی بشری تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است.

شکل‌گیری سازمان‌های مهم بین‌المللی، از جمله «سازمان ملل متحد»^۲ در همین راستا قابل ارزیابی است. علاوه بر این، در تمامی حوزه‌های تخصصی دیگر نیز شاهد شکل‌گیری این‌گونه سازمان‌های بین‌المللی هستیم. این روند حتی در بخش‌های غیردولتی نیز گسترش پیدا کرده که ایجاد صدها «سازمان بین‌المللی غیردولتی» (NGO)^۳ شاهدی بر این مدعا است (عادل، ۱۳۷۹، ص ۴۶).

در راستای جهانی شدن، در حوزه‌ی مباحث مالی، اقتصادی و تجاری نیز «صندوق بین‌المللی پول»^۴ و «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه» (بانک جهانی)^۵ ایجاد شده است. در زمینه‌ی مسائل تجاری، علی‌رغم تمایل کشورها به ایجاد سازمانی بین‌المللی، به علت اختلاف نظر کشورها، این ایده جامه‌ی عمل به خود نپوشید، اما در عوض موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان «موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت» (گات)^۶ در سال ۱۹۴۷ توسط ۲۳ کشور جهان امضا شد (مرادی، ۱۳۷۶، ص ۴۶ و ر.ک: کمیجانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴) که هدف آن برقراری یک نظام حقوقی برای آزادسازی تجاری، کاهش «تعرفه‌های گمرکی»^۷ و تنظیم

1. Globalization

2. United Nations

3. Non-Governmental Organization

4. International Monetary Fund (I.M.F.)

5. International Bank for Reconstruction and Development (World Bank)

6. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

۷. تعرفه عبارت است از مالیاتی که بر نقل و انتقال کالاها و خدمات از مرزهای (اقتصادی یا سیاسی) یک کشور یا منطقه وضع می‌شود. تعرفه‌ها در واقع از قدیمی‌ترین ابزارهای دخالت دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی به حساب می‌آیند. تعرفه‌ها چند نوع هستند:

۱. تعرفه‌های صادراتی: برای تضمین عرضه، داخلی یا صرفاً درآمدی برای دولت وضع می‌گردند. این نوع از تعرفه‌ها جزء ویژگی‌های اصلی کشورهای در حال توسعه‌اند.

۲. تعرفه‌های مربوط به حمل و نقل کالاها: تعرفه‌هایی هستند که از کالاهای نرانزینی یک کشور دریافت می‌شوند و صرفاً منبع درآمدی برای دولت‌اند.

۳. تعرفه‌های وارداتی: رایج‌ترین شکل تعرفه‌ها هستند که هدف از آن، حمایت از صنایع داخلی در مقابل رقبای خارجی است. ضمن

روابط تجاری بود. البته این موافقت‌نامه صرفاً یک معاهده بود نه یک سازمان تخصصی تجاری. با این حال گات صاحب یک دبیرخانه شد و عملاً کار یک سازمان تجاری بین‌المللی را در ظاهر بر عهده داشت (شیروی، ۱۳۷۸، ص ۱۰). با وجود این، ایده‌ی تأسیس یک سازمان جهانی در حوزه‌ی تجارت بین‌الملل هیچ‌گاه به سردی نگرایید و مذاکرات کشورهای عضو موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) برای دستیابی به یک نظام جامع حقوقی از طریق ایجاد یک سازمان فراگیر جهانی ادامه یافت و در همین راستا طی ۸ دور مذاکرات و در آخرین مرحله از مذاکرات که به دور اروگوئه معروف است و از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید، تصمیمات بسیار مهمی گرفته شد که از آن جمله می‌توان به توافق اعضا برای تشکیل سازمانی به نام «سازمان تجارت جهانی»^۱ اشاره کرد. پس از آن بود که در سال ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی با عضویت ۱۲۵ کشور طی یک اجلاس رسمی در ژنو کار خود را آغاز کرد (ر.ک: هوکمن، ۲۰۰۲، ص ۴۴-۴۱، مرادی، ۱۳۷۶، ص ۴۸، جلالی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

با آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، گات ۱۹۴۷ در این سازمان ادغام شد و در واقع پاره‌ای از مقررات آن را تشکیل داد. به عبارت دیگر، با تشکیل سازمان تجارت جهانی، وظایف اداری و تشکیلاتی گات به این سازمان محوّل شد و موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) که یک معاهده‌ی چندجانبه بود، با نام گات ۱۹۹۴ جزء موافقت‌نامه‌های الزامی سازمان تجارت جهانی قرار گرفت (شیروی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

تفاوتی که گات با W.T.O دارد این است که گات تنها یک موافقت‌نامه بود و W.T.O یک سازمان بین‌المللی، علاوه بر این، فرق مهم دیگری که این دو دارند این است که گات فقط ناظر به تجارت کالا بود، اما سازمان تجارت جهانی، علاوه بر تجارت کالا، تجارت در خدمات و جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری خارجی را هم تحت پوشش قرار داد (شیروی، ۱۳۷۹، ص ۸ و ر.ک: دستباز و دیگران، بی‌تا، ص ۴۴). از سوی دیگر، مهم‌ترین نوآوری W.T.O نسبت به گات، ایجاد یک رویکرد واحد در موضوع موافقت‌نامه‌ها است که بر مبنای آن موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه و موافقت‌نامه‌های قبلی گات در یک چارچوب قانونی جامع گنجانیده شدند (ویس، ۱۹۹۸، ص ۷۷).

سازمان تجارت جهانی هم‌اکنون مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که با وضع قواعد و

این‌که منبع درآمدی برای دولت نیز هست. به‌ویژه زمانی که ابزارهای مالی داخلی دولت‌ها ضعیف و فاقد کارایی لازم نباشد (ر.ک: فتحی، ۱۳۸۱، ص ۸-۹).

مقررات، مشغول قانونمند کردن تجارت بین‌المللی است. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است، تا تجارت بین کشورها حتی المقدور روان‌تر و کم‌هزینه‌تر انجام شود. بر اساس موافقت‌نامه‌های چندجانبه، کشورها متعهد شده‌اند سیاست‌های بازرگانی خود را خارج از چارچوب‌های مشخص اعمال نکنند؛ یعنی از تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در این سیاست‌ها امتناع ورزند. علاوه بر این، آزادسازی تجاری از طریق حذف یا کاهش موانع تجارت و نیز شفاف کردن مقررات حاکم بر آن، از جمله مهم‌ترین اهداف سازمان تجارت جهانی است (جلالی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

۱. فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی فعالیت خود را با ۱۲۵ کشور در سال ۱۹۹۵ آغاز کرد و هم‌اکنون این سازمان دارای ۱۴۹ عضو است. کشورهایی که خواهان الحاق به این سازمان باشند باید فرایندی پیچیده و نسبتاً طولانی را طی کنند. بر اساس ماده ۱۲ «موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی»^۱ هر دولت یا قلمرو گمرکی مستقلی^۲ که در اداره‌ی روابط تجاری خارجی و سایر امور پیش‌بینی شده در «موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی»^۳ و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه، خودمختاری کامل داشته باشد، می‌تواند طبق شرایطی به عضویت این سازمان درآید. تصمیمات مربوط به الحاق را کنفرانس وزیران^۴ با اکثریت دو سوم^۵ اعضای سازمان اتخاذ خواهد کرد. چنین الحاقی ناظر بر موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه‌ی منضم به آن^۶ در زمینه‌ی

1. The Agreement Establishing The World Trade Organization

۲. اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک قلمرو گمرکی مستقل عضو سازمان تجارت جهانی است.

۳. موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی در ۱۶ ماده به تصویب رسیده است. برای ملاحظه‌ی این سند نگاه کنید: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳.

۴. کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یک بار تشکیل جلسه خواهد داد. وظایف کنفرانس وزیران در فاصله میان جلسات آن بر عهده‌ی شورای عمومی سازمان خواهد بود که مرکب از نمایندگان همه اعضای سازمان می‌باشد (بند‌های ۱ و ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه‌ی سازمان تجارت جهانی).

۵. علی‌رغم این‌که بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۱۲ موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی، قبول عضویت یک کشور منوط به موافقت دو سوم از کل اعضای آن سازمان است، با این وجود، رویه‌ی متعارف که سال‌ها در گات معمول بوده و هنوز هم عملاً از بین نرفته است، رسیدن به یک توافق جمعی است. این رویه هم‌اکنون در سازمان تجارت جهانی اعمال می‌شود. رک: شیرزی، ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۶. برای ملاحظه‌ی این موافقت‌نامه‌ها رک: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳ و

تجارت کالا، خدمات و جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی است.^۱ البته به کشورهای در حال توسعه فرصت‌ها یا حتی معافیت‌هایی برای اجرای موافقت‌نامه‌ها اعطا شده که در جای خود قابل بحث است (ر.ک: طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶-۱۱۷).

بنابر آنچه گفته شد، دو شرط مهم برای الحاق به W.T.O. ضروری است: یکی این‌که کشور متقاضی باید با سازمان در مورد شرایط الحاق به توافق برسد؛ و دوم این‌که کشور متقاضی باید علاوه بر موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی، تمام موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی پیوست آن را نیز بپذیرد (بند ۳ ماده‌ی ۱۲ موافقت‌نامه‌ی سازمان تجارت جهانی). برای تحقق شرایط فوق مراحلی باید طی شود:

(الف) ارائه‌ی درخواست عضویت از سوی کشور متقاضی عضویت به دبیرخانه‌ی W.T.O.؛

(ب) تشکیل گروه کاری از سوی سازمان تجارت جهانی (گروه کاری متشکل از کشورهای

عضو علاقه‌مند به مذاکره با کشور متقاضی)؛

(ج) بررسی رژیم تجاری کشور متقاضی توسط گروه کاری (مرحله‌ی حقیقت‌یابی)؛^۲

(د) مذاکرات دوجانبه و چندجانبه‌ی دست‌رسی به بازار و تهیه‌ی جداول تعهدات؛

(ه) تنظیم گزارش گروه کاری و رأی‌گیری؛^۳

(و) تنظیم پروتکل الحاقی.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، الحاق به W.T.O. مستلزم طی یک فرایند مذاکره است که می‌تواند بسیار پیچیده، دشوار و طولانی باشد^۴ که با عضویت در دیگر سازمان‌های بین‌المللی کاملاً متفاوت است و چنین نیست که الزامات استاندارد و وجود داشته باشد که هر کشوری با رعایت آنها خود به خود به عضویت سازمان پذیرفته شود. اگر چنین بود، دیگر نیازی به مذاکرات نبود، آن هم مذاکراتی که گاه چندین سال به طول می‌انجامد. بر اساس مذاکرات الحاق، کشور متقاضی متعهد می‌شود تا اقداماتی را برای سازگار کردن قوانین ملی خود با موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی سازمان تجارت جهانی به عمل آورد و نیز تعرفه‌ها را

۱. موافقت‌نامه‌های تجاری دیگری نیز وجود دارد که اعضای سازمان الزامی به رعایت آنها ندارند و تنها ناظر بر طرف‌هایی است که آن‌ها را پذیرفته‌اند (بند ۳ ماده‌ی ۱۲ موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی). این موافقت‌نامه‌ها به تجارت هواپیمایی غیرنظامی، خرید دولتی، فرآورده‌های لبنی و گوشت گاو مربوط می‌شوند. برای ملاحظه‌ی این موافقت‌نامه‌ها ر.ک: همان و Das, 1999, P. 321.

2. Fact Finding

۳. درباره‌ی نظام رأی‌گیری در W.T.O. ر.ک: Hoekman and Kostecki, 1996, P. 40-43.

۴. برای نمونه می‌توان به چین اشاره کرد که فرایند الحاق این کشور به سازمان تجارت جهانی ۱۵ سال طول کشید (ر.ک: مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳، ص هجده).

کاهش دهد و مقررات خود را طوری اصلاح کند که دست‌رسی بیشتری را به کالاها و خدمات دیگر اعضا فراهم آورد (جلالی، ۱۳۸۴، ص ۱۱ و ر.ک: شیروی ۱۳۷۹، ص ۸-۱۳ و امیدبخش، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳).

از آن‌چه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که چنان‌چه کشوری متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باشد، باید دو امر مهم را مورد توجه قرار دهد: اول این‌که عضویت در این سازمان به معنای قبول کلیه‌ی «موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی سازمان تجارت جهانی»^۱ است که تعهدات و شروط فراوانی را بر کشور متقاضی تحمیل می‌کند؛ دوم این‌که کشور متقاضی باید وارد مذاکرات چندجانبه با کشورهای عضو، به خصوص طرف‌های عمده‌ی تجاری شده، مجوز ورود به سازمان را اخذ کند. برای اخذ این مجوز، آن کشور باید موافقت کند که تعرفه‌های گمرکی خود را کاهش دهد و «جدول‌های امتیازات سه‌گانه»^۲ در مورد کالاهای صنعتی، کالاهای کشاورزی و تجارت خدمات را فراهم سازد (شیروی، ۱۳۷۸، ص ۱۳ و لول دس، ۱۹۹۹، ص ۳۳۰-۳۳۲).

۲. تلاش‌های ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی

ایران هیچ‌گاه عضو گات نبوده است.^۳ بحث جدی راجع به عضویت ایران در گات، اولین بار در سال ۱۳۷۰ در قالب لزوم گسترش روابط بین‌المللی و تقویت روابط خارجی مطرح شد. شورای اقتصاد در اجلاس ۱۴ مرداد ۱۳۷۰ خود، از وزارت بازرگانی خواست تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و دارایی و نیز بانک مرکزی در مورد این سؤال که آیا ایران به گات پیوندد یا نه، بررسی به عمل آورد. تهیه‌ی این گزارش در ۲۸ دی ۱۳۷۰ به انجام رسید که در آن گفته شده بود عضویت در گات در کوتاه‌مدت برای کشور نفعی ندارد و به کاهش درآمدهای دولتی منجر خواهد شد، ولی در درازمدت می‌تواند متضمن منافع برای کشور باشد که بررسی این امر به مطالعات بیشتری نیاز دارد. این گزارش هم‌چنین یادآور شد که موادی از قانون اساسی و دیگر قوانین کشور با مفاد گات مغایرت دارد و لذا در

1. W.T.O.'s Multilateral Agreements

۲. وقتی کشور متقاضی عضویت وارد مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود، معمولاً کشورهای عضو بدون گرفتن امتیازات لازم حاضر نمی‌شوند به عضو اجازه دهند که از کاهش تعرفه‌ها و دیگر تسهیلات مقرر منتفع شود؛ به‌این‌کشور متقاضی باید متقابلاً امتیازاتی را برای کشورهای عضو در نظر بگیرد؛ از این‌رو کشور متقاضی باید ضمن مذاکره، حداقل سه از جدول امتیازات (Schedules of Concessions) را تهیه کند.

۳. هر چند ایران عضو رسمی موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) نبوده، اما عضو ناظر گات بوده است که با تشکیل سازمان تجارت جهانی، عضویت ناظر ایران ملغی شد (ر.ک: وهاجی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۱).

صورت الحاق باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد؛ در عین حال، پیشنهاد کرد که تسلیم تقاضای عضویت، برای کشور هیچ‌گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند، لذا شایسته است ایران این تقاضا را تسلیم دبیرخانه‌ی گات نماید تا بتواند هم از منافع عضویت ناظر برخوردار شود و هم از کم و کیف کار آن آگاهی پیدا کند. با این حال، برخی با ارائه‌ی تقاضا مخالفت کردند و در نهایت دولت ایران تقاضای عضویتی ارائه نداد (جلالی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

دومین باری که موضوع الحاق ایران به گات مطرح شد، در جلسه‌ی شورای عالی اقتصاد در تیرماه ۱۳۷۲ (ژوئیه‌ی ۱۹۹۳) بود، اما از آن‌جا که قرار بود مذاکرات دور اروگوئه تا شش‌ماه پس از آن تاریخ به اتمام برسد، تصمیم گرفته شد تا آن زمان کاری صورت نگیرد تا مذاکرات دور اروگوئه پایان پذیرد و از نتایج آن اطلاع حاصل شود. پس از اتمام مذاکرات دور اروگوئه، کمیته‌ای مرکب از نمایندگان ۲۱ وزارت‌خانه و سازمان دولتی تشکیل شد تا منافع و مضار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی را بررسی و سیاست‌های مناسب برای کاهش تبعات منفی احتمالی را پیشنهاد و هم‌چنین موانع سیاسی و حقوقی الحاق را بررسی کند. این کمیته هم‌چنین مأمور شد تا «گزارش جامع تجاری»^۱ ایران را تهیه نماید؛ لذا گزارش خود را در خرداد ۱۳۷۴ (ژوئن ۱۹۹۵) به دولت تقدیم کرد. در این گزارش، کمیته‌ی مذکور با مفید ارزیابی کردن الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، اظهار عقیده کرده بود که احتراز از عضویت در این سازمان به صلاح کشور نیست؛ چراکه با عضویت ۱۲۸ کشور که حدود ۸۰ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارند، تجارت ما تحت تأثیر تصمیمات این سازمان خواهد بود، حتی اگر عضو هم نباشیم. بر همین اساس در تاریخ ۴ مهر ۱۳۷۵ (سپتامبر ۱۹۹۶) تقاضای عضویت ایران رسماً به دبیرخانه W.T.O. تسلیم شد (جلالی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

تا مدت‌ها پس از تسلیم درخواست عضویت، دعوتی از ایران برای ارائه‌ی گزارش رژیم تجاری و شروع مذاکرات به عمل نیامد. تقاضای ایران برای اولین بار در جلسه‌ی ماه مه ۲۰۰۱ (خرداد ۱۳۷۹) شورای عمومی مطرح شد و نماینده‌ی آمریکا با ابراز این که کشور متبوعش هنوز بررسی‌های لازم را در این خصوص انجام نداده است، درخواست کرد

۱. گزارش جامع تجاری، سندی است که در آن، کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی، سیاست‌های تجاری خود را به طور کامل همراه با جزئیات، مانند تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مقررات صادرات و واردات، محدودیت‌ها و سیاست‌های ارزی، تدابیر و مقررات راجع به سرمایه‌گذاری خارجی، مقررات مربوط به تجارت خدمات، شیوه‌ی حمایت از مالکیت معنوی و تدابیر اتخاذ شده برای آزادسازی تجاری را بیان کرده باشد. این سند اساس و پایه‌ی مذاکرات الحاق به W.T.O. است (ر.ک: شبروی، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

رأی‌گیری در این مورد به جلسات آینده موکول شود. در جلسات بعدی نیز آمریکا، و گاه اسرائیل، با شروع مذاکرات مخالفت کردند؛ بدین ترتیب تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی با وتوی آمریکا، ۲۱ بار رد شد تا این‌که در نهایت تلاش‌های ایران در تاریخ ۲۶ ماه مه ۲۰۰۵ (پنج‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۴) به بار نشست و تمام ۱۴۸ عضو سازمان تجارت جهانی - از جمله آمریکا^۱ - موافقت کردند که مذاکرات در مورد پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی آغاز شود. به عبارت دیگر، اعضای W.T.O. موافقت کردند که ایران «عضو ناظر»^۲ این سازمان شود (همان).

۳. آثار الحاق به W.T.O. بر مقررات صادرات و واردات

چنان‌که گذشت، عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای قبول کلیه‌ی موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی آن سازمان و در نتیجه، قبول تعهداتی است که در این موافقت‌نامه‌ها بیان شده است. بر این اساس، کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باید مقررات داخلی مرتبط با تجارت خارجی خود را با الزامات این سازمان هماهنگ نماید؛ به عبارت دیگر، کشورهای مختلف هر کدام در تجارت بین‌الملل مبانی و نظام حقوقی و تجاری خاصی دارند که در برخی موارد مغایر و ناسازگار با اصول و الزامات سازمان تجارت جهانی است و این امر ممکن است بهره‌مندی هر چه بیشتر آن‌ها را از شرایط تجارت آزاد، خدشه‌دار سازد؛ لذا تلاش در جهت رفع آن‌ها برای هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است (کمیجانی، ۱۳۷۶، ص ۳۶)؛ بنابراین بسترسازی حقوقی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی الزامی است.

در قوانین و مقررات داخلی کشورها، عمده‌ترین مقررات مرتبط با موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی عبارت‌اند از: مقررات صادرات و واردات، مقررات مربوط به تشویق صادرات، مقررات مربوط به تشویق تولیدکنندگان داخلی، مقررات مربوط به بخش خدمات، مقررات راجع به حمایت از حقوق مالکیت معنوی و مقررات راجع به حل و فصل

۱. شایان یادآوری است که ۲۱ بار مخالفت آمریکا با شروع مذاکرات الحاق از سوی جمهوری اسلامی ایران، نه به خاطر ملاحظات فنی و تخصصی، بلکه به لحاظ مسائل کاملاً سیاسی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد عدم مخالفت آمریکا با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در بیست و دومین بار هم در همین فضا صورت گرفته و آن را باید در قالب اصرار و پافشاری جمهوری اسلامی بر حق داشتن فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای ارزیابی کرد. اظهارات مقامات آمریکایی در این باره که موافقت با عضویت ایران در W.T.O. با هدف پیشرفت مذاکرات هسته‌ای بوده است، مؤید این مطلب است.

۲. پذیرش ایران به عنوان «عضو ناظر» در سازمان تجارت جهانی، به معنای عضویت دائم ایران در سازمان و آغاز فعالیت‌های تجاری بر اساس مقررات و قوانین W.T.O. نیست، بلکه به معنای پذیرش آغاز فرایند الحاق به این سازمان است که به نظر می‌رسد در مورد ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالات ممکن است ۵ تا ۱۰ سال طول بکشد.

دعای تجاری خارجی (شیروی، ۱۳۷۹، ص ۱۳).

از جمله قوانین اصلی کشور که بازرگانی خارجی براساس آن جریان می‌یابد، «قانون مقررات صادرات و واردات»^۱ است که بررسی و چگونگی تطبیق آن با الزامات سازمان تجارت جهانی مدّ نظر این نوشتار است.

آزادسازی تجاری یکی از اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی است. هر عضو مکلف است موانع موجود بر سر راه تجارت کالا و خدمات را برطرف سازد و صادرات و واردات آزادانه‌ی کالا و خدمات را تضمین کند. موانع تجاری عمدتاً به وسیله‌ی اخذ تعرفه و هزینه‌های گمرکی و یا از طریق «موانع غیرتعرفه‌ای»^۲ برقرار می‌شود. برقراری تعرفه و دیگر هزینه‌های گمرکی، مثل «حقوق گمرکی»^۳، سود بازرگانی، مالیات و غیره، یکی از طرق شایع برای کنترل واردات به کشور است. این تعرفه‌ها ممکن است بر مبنای درصد ارزش کالا و یا به صورت ثابت، نسبت به یک کالا اخذ شود. هر چند سازمان تجارت جهانی برقراری

۱. قانون مقررات صادرات و واردات در ۴ مهر ۱۳۷۲ در ۲۲ ماده و ۲۵ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است (ر.ک: مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، ص ۴۶۸-۴۷۴). نیاز به ذکر است که برخی از مواد این قانون طی سال‌های گذشته و ضمن تصویب قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم توسعه نسخ ضمنی شده است (ر.ک: اداره‌ی کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص پنج و شش).

۲. به غیر از تعرفه‌ها، یکی دیگر از موانع تجاری که معمولاً کشورها در بخش تجارت خارجی خود برای محدود کردن واردات از آن استفاده می‌کنند، موانع غیرتعرفه‌ای (non-tariff barriers) است که به میزان وسیعی در کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. یکی از اهداف مهم W.T.O. کاهش و حذف موانع غیرتعرفه‌ای است که اصولاً بنا به ماهیت خود در مقایسه با تعرفه‌ها از شفافیت و قانونمندی کم‌تری برخوردار است. برخی از انواع موانع غیرتعرفه‌ای را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- سهمیه‌ی وارداتی: که عبارت است از اعمال محدودیت مقداری بر کل واردات مجاز به یک کشور.
- محدود نمودن صادرات به صورت داوطلبانه: گاهی دولت یک کشور واردکننده، صادرکنندگان خارجی را مجبور می‌کند تا به طور داوطلبانه، صادرات خود را به آن کشور محدود نمایند.
- موانع فنی تجارت: کشورها اغلب مقررات فنی خاصی را در مورد بسته‌بندی، شناسنامه‌ی محصول، برچسب‌زنی، کدگذاری و... اجرا می‌کنند. از منظر تجارت بین‌الملل، ممکن است این مقررات در مواقعی به مثابه موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت خارجی عمل نمایند.

- مؤسسات تجاری دولتی: واحدهای دولتی که به صورت انحصاری اقدام به واردات یک کالا یا مجموعه‌ای از کالاها از بازارهای جهانی می‌نمایند و در داخل کشور هم به عنوان فروشنده‌ی انحصاری کالاهای وارداتی عمل می‌کنند.
- سیاست‌های ارزی: گاهی دولت‌ها از طریق دست‌کاری در نرخ ارز مربوط به کالاهای خاص (مثل کالاهای کشاورزی و اساسی) اقدام به محدود کردن واردات آن یا با ایجاد نظام چند نرخ ارز، اقدام به تشویق صادرات یا محدودیت واردات کالاهای مختلف می‌نمایند. (ر.ک: فتیحی، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۱۳).

۳. حقوق گمرکی عبارت است از مالیات و عوارضی که دولت به منظور حمایت از محصولات داخلی یا تأمین درآمد هنگام ورود کالاهای خارجی از مرزهای کشور دریافت می‌کند. حقوق گمرکی را می‌توان بر حسب هدف آن به حقوق گمرکی مالیاتی که بیشتر جنبه‌ی مالی دارد و حقوق گمرکی حمایتی که بیشتر جنبه‌ی اقتصادی دارد، تقسیم کرد. حقوق گمرکی مالیاتی خود دارای انواعی است، (ر.ک: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴، ص ۲۷-۲۶).

تعرفه‌ها را منع نکرده است ولی طبق مقررات آن سازمان، اعضا، مکلف به مذاکره با دیگر کشورها برای کاهش تعرفه‌های خود هستند و هر کشوری در جدول امتیازات که ضمیمه‌ی موافقت‌نامه‌های سازمان می‌شود، حداکثر هزینه‌های گمرکی بر هر کالا را مشخص می‌کند و حق ندارد هزینه‌ای بالاتر از آن در نظر گیرد. در کشور ما هزینه‌های متعددی بر کالاهای وارداتی تحمیل می‌شد که بعضی از آن‌ها عبارت بودند از: حقوق گمرکی، سود بازرگانی، درصد شهرداری، درصد آموزش و پرورش، درصد صدا و سیما و... که این عوارض با تصویب قانون تجمیع عوارض، یکپارچه و تجمیع شد و معادل ۴ درصد ارزش گمرکی کالا تحت عنوان حقوق ورودی تعیین گردید.^۱

علاوه بر تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای نیز مانعی بر سر راه تجارت آزاد است. همان‌گونه که اشاره شد، برقراری محدودیت‌ها، ایجاد مزاحمت‌ها و دخالت در امر واردات و صادرات از طریق برقراری نظام سهمیه‌بندی، محدودیت‌های کمی و مجوز صادرات و واردات از موانع تجاری غیرتعرفه‌ای هستند که بر اساس ماده‌ی ۱۱ گات ۱۹۹۴^۲ ممنوع است. بر این اساس، قانون صادرات و واردات باید با حذف موانع غیرتعرفه‌ای، خود را با الزامات سازمان تجارت جهانی تطبیق دهد.

به طور کلی می‌توان گفت که قانون مقررات صادرات و واردات در سه مقوله با مقررات ماهوی موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه ارتباط می‌یابد که عبارت‌اند از: حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت‌های وارداتی و تشویق صادراتی.^۳

۱. برای ملاحظه‌ی این قانون، ر.ک: مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۸۱، چاپ روزنامه رسمی، ص ۱۲۹۰-۱۲۹۷. شایان ذکر است که این قانون، تحت عنوان قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده است.

۲. برای ملاحظه‌ی این ماده ر.ک: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳.

۳. یکی از نکات ذکر شده در قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲) که ممکن است با الزامات سازمان تجارت جهانی در تعارض باشد، موضوع معامله با رژیم اشغالگر قدس است. بر اساس ماده‌ی ۹ آئین‌نامه‌ی اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۳)، هرگونه معامله با رژیم اشغالگر قدس ممنوع است. در این باره باید متذکر شد که بند ۱ ماده‌ی ۱۳ موافقت‌نامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی، به منقضی عضویت اجازه می‌دهد که چنانچه هر یک از اعضا به هنگام عضویت با اجرای این موافقت‌نامه و موافقت‌نامه‌های مندرج در ضمیمه ۱ و ۲ آن مین خود و یک عضو دیگر موافق نباشد، این موافقت‌نامه‌ها میان این دو لازم‌الاجرا نخواهد بود. به این ترتیب، در صورت الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی، دولت می‌تواند از اجرای مقررات سازمان در خصوص رژیم اشغالگر قدس خودداری ورزد. اما نکته‌ی مهمی که در این خصوص باید به آن توجه داشت این است که تنها در صورتی توسل به این مقرره مجاز است که پیش از تصویب شرایط الحاق، مراتب به اطلاع کنفرانس وزیران رسانده شود و اعلامیه‌ای دال بر عدم اجرای موافقت‌نامه در مورد یک عضو خاص صادر گردد.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که مستثنی کردن رژیم اشغالگر قدس به عنوان طرف تجاری ایران در سازمان تجارت جهانی، تنها شامل این رژیم و شرکت‌های اسرائیلی است و شرکت‌هایی را که با این رژیم به نوعی وابسته هستند، در بر نمی‌گیرد.

الف) حمایت از تولیدات داخلی

ضمن این‌که مقررات سازمان تجارت جهانی از سیاست‌های تجارت آزاد تبعیت می‌کند، در عین حال به اعضا اجازه می‌دهد که از تولیدات داخلی خود در مقابل رقابت خارجی با برقراری تعرفه حمایت کنند، مشروط بر این‌که این اقدامات تنها از طریق تعرفه‌ها باشد. به موازات آن، تعرفه‌هایی که کشورها برای حمایت از تولیدات داخلی خود حفظ می‌کنند باید کاهش یابد و در نهایت حذف شود. نرخ‌های تعرفه‌ای که بدین ترتیب در مذاکرات میان دولت متقاضی الحاق و سازمان تجارت جهانی مورد توافق قرار می‌گیرد و همچنین سایر تعهداتی که کشورها می‌پذیرند، در جداول امتیازات درج می‌شوند؛ بنابراین هر دولت عضو سازمان، جدول جداگانه‌ای دارد و متعهد می‌شود تعرفه یا سایر حقوق گمرکی یا مالیات‌هایی مازاد بر میزان مندرج در جدول خود وضع ننماید،^۱ علاوه بر این، کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا از اتخاذ سیاست‌هایی که به برخورد دوگانه‌ی کشور عضو با کالاهای ساخت داخل از یک طرف و کالاهای مشابه وارداتی از طرف دیگر منجر شود، خودداری کنند؛ مانند این‌که مالیات بر فروش کالاهای وارداتی دو برابر مالیات بر فروش کالاهای مشابه تولید داخل باشد. بر اساس ماده‌ی ۳ گات ۱۹۹۴، امتیازات و مساعدت‌هایی که کشورهای عضو نسبت به کالاهای وارداتی می‌کنند، نباید از امتیازات و مساعدت‌هایی که کشورهای عضو نسبت به کالاهای تولید داخل کرده‌اند، کم‌تر باشد؛ بنابراین سیاست‌هایی که در حمایت از تولیدات داخلی اتخاذ می‌شود و کالاهای تولید داخل را نسبت به کالاهای وارداتی در شرایط بهتری قرار می‌دهد، برخلاف مفاد مقررات سازمان تجارت جهانی است.

معمولاً حمایت از تولیدات داخلی به دو گونه صورت می‌گیرد:

اول، با وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی، که این امر باعث می‌شود قیمت تمام شده‌ی کالاهای وارداتی در کشور عضو افزایش یابد که این روش از گذشته، مبنای تعیین

این در حالی است که طبق ماده‌ی ۸ قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین (مصوب ۱۳۶۹)، معامله با مؤسسات و شرکت‌های وابسته به صهیونیست‌ها را ممنوع اعلام کرده است: (ر.ک: طارم سری، ۱۳۷۲، ص ۶۶ و نیز ۱۳۷۶، ص ۱۱۷-۱۱۸).
 ۱. از آن‌جا که ممکن است کشورهای در حال توسعه یا کم‌تر توسعه‌یافته به خاطر سطح پایین‌تر توسعه‌ی اقتصادی و نیازهای تجاری و مالی قادر نباشند امتیازاتی را بر همان مبنا که کشورهای توسعه‌یافته می‌دهند، اعطا کنند، در گات ۱۹۹۴ ترتیبی پیش‌بینی شده است تا این کشورها بتوانند به منظور اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی تنظیمی، اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را اتخاذ نمایند؛ از این‌رو اعضای مزبور باید از تسهیلات اضافی بهره‌مند شوند تا بتوانند انعطاف کافی را در ساختار تعرفه‌ی خود به منظور اعطای حمایت تعرفه‌ای برای تأسیس صنعتی خاص حفظ کنند. بدین ترتیب می‌توان از صنایع نوپا با استفاده از تعرفه و سایر اقدامات، حمایت کرد، (در این باره ر.ک: طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸-۱۲۱).

میزان حقوق گمرکی و سود بازرگانی در قوانین بوده است.^۱ دوم، برقراری سیاست‌هایی که موجب می‌شود کالای وارداتی ترخیص شده نسبت به کالای مشابه تولید داخل، دارای حمایت، امتیازات و تسهیلات کم‌تری باشد؛ به عنوان نمونه، ماشین‌آلاتی که وارد کشور شده، نسبت به ماشین‌آلات مشابه تولید داخل از تسهیلات و امتیازات کم‌تری بهره‌مند باشد. در یک دعوا، دولت ایتالیا قانونی را به تصویب رساند که مطابق آن به کشاورزان، وام با نرخ پایین داده می‌شد، به شرطی که ماشین‌آلات کشاورزی ساخت داخل خریداری کنند. هیأت حل اختلاف گات این قانون را یک رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای وارداتی تلقی کرده و آن را خلاف ماده‌ی ۳ گات دانست (شیروی، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

بنابراین کلیه مقرراتی که رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای وارداتی دارد و در قوانین کشور، به‌ویژه قانون مقررات صادرات و واردات وجود دارد، باید اصلاح شود؛ علاوه بر این، تا پایان سال ۱۳۸۱ عوارض و مالیات‌های متفرقه‌ی گوناگونی به همراه حقوق گمرکی از واردات دریافت می‌گردید^۲ که برای الحاق به سازمان تجارت جهانی، یک کاسه‌کردن این مالیات‌ها نخستین گام برای مذاکره راجع به تعرفه و تثبیت آن به شمار می‌رفت؛^۳ زیرا

۱. به عنوان نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

- مواد ۱۵ و ۲۱ قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲) مبنای تعیین حقوق گمرکی و سود بازرگانی را حمایت از تولیدکنندگان داخلی می‌داند.

- ماده‌ی واحده‌ی مربوط به قانون تعیین حقوق گمرکی و سود بازرگانی (مصوب ۱۳۷۳) اشعار می‌دارد که دولت اجازه دارد نسبت به سود بازرگانی کالاهای وارداتی به نحوی تجدیدنظر کند و اولویت قابل شود که ضمن حمایت مؤثر از تولیدات داخلی و تحدید ورود کالاهای غیرضروری لوکس و تجملی، موجب تحقق درآمدهای مالیاتی شود.

- در بند «ب» تبصره‌ی ۲۱ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم آمده است: نرخ‌های تعرفه‌ای گمرکی توسط مجلس شورای اسلامی و سود بازرگانی توسط دولت و در جهت حمایت از تولیدات داخلی به منظور رسیدن به خودکفایی، رشد اقتصادی و ایجاد زمینه برای توسعه‌ی صادرات در هر زمینه تنظیم خواهد شد.

۲. طبق ماده‌ی ۲۰ قانون مقررات صادرات و واردات، دولت مکلف است از واردکنندگان بخش‌های غیردولتی که به صورت تجاری کالا وارد می‌کنند، برابر یک درصد از مجموع وجوه دریافتی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه‌ی کالاهای وارداتی، علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی، به عنوان «عوارض ویژه» دریافت کند. در مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون نیز به ما به التفاوت سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اشاره شده و ثبت سفارش نیز در ماده‌ی ۸ قانون مزبور پیش‌بینی شده است. البته ماده‌ی ۱۵ و ۲۰ بر اساس قانون تجمیع عوارض در قالب اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه، نسخ ضمنی شده است (ر.ک: آداری کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص شش).

۳. بر اساس ماده‌ی ۱۵ قانون مقررات صادرات و واردات باید کلیه‌ی منابع دریافتی از کالاهای وارداتی، از قبیل سود بازرگانی، عوارض گمرکی، ما به التفاوت، حق ثبت سفارش، حق انحصار، عوارض شهرداری، تعاون، عوارض هلال احمر، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض بندری، عوارض بهداری و غیره به استثنای مبالغی که به عنوان حقوق گمرکی، هزینه باکارمزد دریافت می‌شود، در مورد هر کدام از ردیف‌های تعرفه گمرکی با مآخذ مناسب، در مجموع تحت عنوان «سود بازرگانی» تعیین گردد. این ماده نیز

بر اساس الزامات سازمان تجارت جهانی، دریافت هرگونه وجهی (غیر از هزینه‌ها) خارج از چارچوب تعرفه، برای ورود کالاهای سایر کشورهای عضو غیر مجاز است. این حقوق فقط بر اساس تعرفه‌ی تثبیت شده که باید مورد مذاکره قرار گیرد، وصول خواهد شد، اما وصول هرگونه وجهی، حتی در قالب تعرفه، با هدف کسب درآمد مالیاتی، از نظر مقررات سازمان تجارت جهانی مردود است (طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲).

ب) محدودیت‌های وارداتی

طبق ماده‌ی ۱۱ گات ۱۹۹۴، اعضا نباید هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه‌بندی، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طرق دیگر در مورد ورود هر محصولی از سرزمین عضو دیگر و یا صدور هر محصولی که مقصد آن، سرزمین عضو دیگر باشد، وضع یا حفظ کنند؛ البته به جز تعرفه‌های تعیین شده و احتمالاً سایر محدودیت‌های مجاز که قبلاً مورد توافق قرار گرفته است. حکم این ماده در مورد کالاهای صنعتی، کشاورزی، منسوجات و پوشاک، صورت‌های متفاوتی در موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی مربوط در دور اروگوئه پیدا کرده است. اما دولت‌ها معمولاً در راستای محدودیت‌های وارداتی، اقدام به اعمال محدودیت‌هایی به صورت‌های گوناگون می‌کنند. در قانون مقررات صادرات و واردات نیز در همین راستا، محدودیت‌های وارداتی به صورت طبقه‌بندی کالاهای وارداتی و صادراتی، اولویت حمل کالاهای وارداتی با وسیله‌ی نقلیه‌ی ایرانی، اخذ عوارض ویژه و محدود کردن ورود برخی کالاها، ثبت سفارش و قیمت‌گذاری کالاهای مستعمل بر پایه‌ی قیمت کالاهای مشابه نو، مربوط می‌شوند که به برخی از این موارد اشاره می‌شود (همان، ص ۱۲۳-۱۲۶).

ماده‌ی ۲ قانون مقررات صادرات و واردات، کالاهای وارداتی و صادراتی را به چند دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: کالاهای مجاز، مشروط و ممنوع.^۱

طبق بند الف ماده‌ی ۲۰ گات، می‌توان از ورود و صدور کالاهایی که خلاف اخلاق عمومی است، جلوگیری کرد، اما نمی‌توان اصولاً کالاها را به مجاز و غیرمجاز، و مشروط و

بر اساس قانون تجسس عوارض و در قالب اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۲۲ دی ماه ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی نسخ ضمنی شده است (همان).

۱. ماده‌ی ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مقرر می‌دارد کالاهای صادراتی و وارداتی به سه گروه زیر تقسیم شوند:

- کالاهای مجاز: کالاهایی است که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط، نیاز به کسب مجوز ندارد.

- کالاهای مشروط: کالاهایی است که صدور یا ورود آن با کسب مجوز امکان‌پذیر است.

- کالاهای ممنوع: کالاهایی است که صدور یا ورود آن به موجب شرع مقدس اسلام (به اعتبار خرید و فروش یا مصرف) و یا به موجب

قانون، ممنوع گردد.

غیر مشروط تقسیم نمود. این تقسیم‌بندی‌ها به منظور محدود کردن واردات و صادرات است و جزء موانع غیر تعرفه‌ای محسوب می‌شود که با ماده‌ی ۱۱ گات ۱۹۹۴ مغایرت دارد و در نتیجه، برقراری این گونه موانع، غیر مجاز است.

از سوی دیگر، تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲ قانون مقررات صادرات و واردات^۱ نیز، مخالف مقررات سازمان تجارت جهانی است؛ زیرا به دولت اجازه می‌دهد طبق شرایطی از ورود یا خروج بعضی از کالاها جلوگیری کند. هم‌چنین ماده‌ی ۸ همین قانون، واردکنندگان را ملزم ساخته است که برای کالاهای وارداتی خود مجوز اخذ کنند. هر چند اخذ مجوز ورود، مغایرت آنی با مقررات سازمان تجارت جهانی ندارد، اما به موجب موافقت‌نامه‌ی راجع به رویه‌های صدور مجوز ورود، هدف این است که اعضا هر چه کم‌تر از «مجوزهای واردات غیر خودکار»^۲ استفاده کنند و این‌که نهایتاً صدور مجوز ورود باید به صورت خودکار درآید.^۳ از دیگر محدودیت‌های وارداتی که در ماده‌ی ۶ قانون مقررات صادرات و واردات به آن اشاره شده است، اولویت حمل کالاهای وارداتی کشور با وسایل نقلیه‌ی ایرانی است. اگر این ماده از دیدگاه ماده‌ی ۱۱ گات ۱۹۹۴ یک اقدام محدودکننده به حساب آید، در این صورت مغایر با آن خواهد بود.

در ماده‌ی ۲۰ همین قانون پیش‌بینی شده که دولت مکلف است از واردکنندگان

۱. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مقرر می‌دارد:

دولت می‌تواند بنا به مقتضیات و شرایط خاص زمانی، با رعایت قوانین مربوطه، صدور یا ورود بعضی از کالاها را ممنوع نماید.

۲. مجوزهای واردات غیر خودکار (Non-Automatic Import Authorizations) یکی از انواع موانع غیر تعرفه‌ای است که مجوز واردات را نه به صورت آزادانه، بلکه بر اساس ضوابط خاص اعطا می‌کند. دو طبقه‌بندی در مورد مجوزهای واردات غیر خودکار وجود دارد:

الف) جواز تبعیض، که اغلب تحت عنوان «مجوز ورود آزاده» استفاده می‌شود و در شرایطی صادق است که دولت وارد کننده می‌باید با یک نوع واردات خاص موافقت کند، اگرچه شرایطی که بر اساس آن چنین موافقتی حاصل می‌شود، مشخص و معین نیست و در هر کشوری ممکن است متفاوت باشند. اغلب این نوع از غیر تعرفه در خصوص محدودیت‌های مقداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) نوع دیگری از مجوزهای وارداتی غیر خودکار وقتی است که واردکننده‌ی کالای خاصی شرایط مختلف را ملاحظه و مورد سنجش قرار داده و نهایتاً اقدام به واردات می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: نحوه‌ی استفاده از کالای وارد شده بر اساس اهداف خاص مورد نظر، میزان نقاضای خرید از تولیدات داخل، حداقل میزان صادرات در نظر گرفته شده و... این در موافقی است که در مورد تجارت یک کالای خاص واردات و صادرات هر دو صورت پذیرد. در این صورت، ارزش واردات به حداکثر میزان و نرخ صادرات آن کالا محدود می‌شود. قابل توجه است که هدف عمده از اعطای چنین مجوزهایی در زمینه واردات، بهبود تراز تجاری و حمایت از تولیدات داخلی است (ر.ک: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴، ص ۷۶-۷۷ و برای ملاحظه‌ی «موافقت‌نامه راجع به رویه‌های صدور مجوز» ر.ک: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۳-۲)

۳. در این موافقت‌نامه صدور غیر خودکار مجوز ورود کالا هنگامی مجاز است که سبب انحراف در تجارت نشود؛ ضمن این‌که هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای در حال توسعه باید لحاظ گردد (بند ۲ ماده‌ی ۱ و بند ۲ ماده‌ی ۳ موافقت‌نامه‌ی راجع به رویه‌های صدور مجوز ورود) (ر.ک: همان، ص ۱۲۷).

بخش‌های «غیر دولتی» که به صورت تجاری کالا وارد می‌کنند، برابر ۱ درصد مجموع وجوه دریافتی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه کالاهای وارداتی، علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی، به عنوان «عوارض ویژه» دریافت نماید که این ماده هم مغایر ماده ۱۱ گات است؛ علاوه بر این که بر اساس ماده ۱۷ گات ۱۹۹۴ رفتار تبعیض آمیز در شرایط ورود کالاهای متعلق به بخش خصوصی و دولتی در وضع عوارض ویژه، مخالف مقررات سازمان تجارت جهانی است.

علاوه بر قانون مقررات صادرات و واردات، در آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون نیز مواردی وجود دارد که محدودیت مقداری در واردات کالا تلقی می‌شود که این موارد هم مغایر ماده ۱۱ گات است.^۱

موارد یاد شده در بالا اموری هستند که می‌توانند در تعارض با مقررات راجع به محدودیت‌های در نظر گرفته شده در سازمان تجارت جهانی باشند.

ج) تشویق صادرات

درباره‌ی تشویق صادرات و توسعه‌ی صادرات غیرنفتی، حقوق داخلی ما امتیازات و تسهیلاتی را برای صادرکنندگان فراهم کرده است که مغایر با الزامات سازمان تجارت جهانی به نظر می‌رسد. بر اساس ماده ۱ «موافقت‌نامه‌ی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی»^۲، هر گونه کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی در مواردی که این عمل متضمن انتقال سیستم وجوه، مانند برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه، انتقالات مستقیم وجوه یا تعهدات، مثلاً وام باشد، یا درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می‌شد، دریافت نگردد یا از آن چشم‌پوشی شود، هم چون مشوق‌های مالی، در تعریف یارانه می‌گنجد. به نظر می‌رسد مواردی در قانون مقررات صادرات و واردات وجود دارد که جزء تشویق‌های صادراتی است؛ از جمله ماده ۱۹ این قانون که مقرر می‌دارد: «دولت می‌تواند همه‌ساله وجوهی را تحت عنوان تشویق صادرات در بودجه‌ی سنواتی منظور و به صورت کمک سود تسهیلات پرداختی بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیأت وزیران به صادرکنندگان

۱. موارد دیگری نیز هم چون ثبت سفارش که طبق ماده ۸ قانون صادرات و واردات و ماده ۵ آیین‌نامه‌ی اجرای آن، الزامی است و همین‌طور قیمت‌گذاری کالاهای مستعمل بر مبنای قیمت کالاهای نو که در تبصره‌ی ماده ۴۲ آیین‌نامه‌ی اجرایی آمده است با مقررات سازمان تجارت جهانی در تعارض است (طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸). درباره محدودیت‌های وارداتی هم چنین نگاه کنید: کمیجانی، ۱۳۷۶، ص ۴۰ و شیروی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

۲. برای ملاحظه‌ی این موافقت‌نامه ر.ک: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳.

پرداخت نماید». طبق ماده‌ی ۲ همین قانون، کلیه‌ی وجوهی که به عنوان عوارض ویژه (یک درصد مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای وارداتی) وصول می‌گردد، در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار خواهد گرفت تا برای تشویق و توسعه‌ی صادرات کالاهای غیرنفتی و آموزش و تبلیغات بازرگانی به مصرف برسانند.^۱ این پرداخت‌ها هم از نظر ماده‌ی ۱۶ گات ۱۹۹۴ و هم ضمیمه‌ی ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، یارانه محسوب می‌شود و به موجب این موافقت‌نامه‌ها ممنوع است.

بر اساس ضمیمه‌ی ۱ موافقت‌نامه‌ی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، یارانه‌های ممنوع عبارت‌اند از:

۱. پرداخت یارانه‌ی مستقیم دولت به یک بنگاه یا صنعت به شرط داشتن عملکرد صادراتی؛
۲. اعطای جایزه‌ی صادراتی؛
۳. قائل شدن تسهیلات برای هزینه‌ی حمل و نقل داخلی محموله‌های صادراتی؛
۴. اجازه‌ی تخفیف‌های ویژه در ارتباط با عملکرد صادراتی؛
۵. بخشودگی یا استرداد هزینه‌های وارداتی؛
۶. معافیت از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به خاطر صادرات؛
۷. اعطای اعتبارات صادراتی با نرخ‌های پایین‌تر از نرخ‌های رایج.^۲

۱. برخی دیگر از قوانین هم سیاست‌های تشویقی صادراتی را پیش‌بینی کرده است که از جمله می‌توان به قانون برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. بند «ج» تبصره‌ی ۲۵ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله دوم مقرر می‌دارد: «به منظور قابل رقابت نمودن قسمت کالاهای صادراتی کشور در بازارهای جهانی: - شرکت‌های حمل و نقل دولتی مکلف‌اند چاه‌جایی و حمل کالاهای مذکور به خارج از کشور را در اولویت قرار دهند و تسهیلات و تحقیقات لازم را... برای حمل و نقل کالاهای مزبور قابل شوند. - حقوق گمرکی و سود بازرگانی اخذ شده از مواد اولیه، قطعات و لوازم وارداتی به کار رفته در ساخت و بسته‌بندی کالاهای صادره، حداکثر به میزان حقوق گمرکی و سود بازرگانی متعلقه در زمان صدور کالا... توسط گمرک جمهوری اسلامی ایران به صادرکنندگان مسترد می‌گردد.»

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است با تصویب شورای پول و اعتباری، تسهیلات اعتباری قابل اعطا به بخش صادرات غیرنفتی کشور را در آغاز هر سال تعیین و به شبکه‌ی بانکی کشور اعلام نماید. تسهیلات مذکور به ترتیبی که شورای مذکور تعیین خواهد نمود، با نرخ ترجیحی متناسب با میزان صادرات از طریق بانک توسعه‌ی صادرات و با سایر بانک‌ها به صادرکنندگان واگذار خواهد شد.

۲. در گذشته طبق گات ۱۹۲۷، مقررات مربوط به ممنوعیت اعطای یارانه‌های صادراتی به کالاهای صنعتی، فقط در مورد کشورهای توسعه یافته اعمال می‌شد، ولی در سازمان تجارت جهانی این مقررات به کشورهای در حال توسعه نیز تعمیم یافته است. اما بر اساس ماده‌ی ۲۷ موافقت‌نامه‌ی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، کشورهای در حال توسعه از یک فرصت ۸ سانه (با احتمال تمدید) برخوردارند که طی آن رویه‌های خود در مورد بازارهای صادراتی و وارداتی را با مقررات مربوط منطبق گردانند و به تدریج اقدام به حذف یارانه‌ها نمایند (در این باره رک: طارم سزی، ۱۳۷۶، صص ۱۳۱-۱۳۰ و شیروی، ۱۳۷۹، صص ۱۸-۱۷).

بر اساس موارد فوق، اکثر مقرراتی که در کشور ما برای تشویق صادرات تصویب شده‌اند، مغایر با مقررات سازمان تجارت جهانی‌اند.

از موارد دیگر در مورد یارانه‌های صادراتی ممنوع، استرداد هزینه‌های وارداتی کالاها، مورد مصرف در ساخت کالاها، صادراتی است. به موجب ماده‌ی ۱۴ قانون مقررات صادرات و واردات، مابه‌التفاوت اخذ شده توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و کلیه‌ی وجوه دریافتی گمرک، به استثنای آنچه جنبه‌ی هزینه و کارمزد دارد، در رابطه با کالاها، مواد، اجزا و قطعات خارجی مورد مصرف در ساخت، تکمیل، آماده‌سازی، و بسته‌بندی کالاها، صادراتی، به صادرکننده مسترد می‌گردد. چنین پرداخت‌هایی مشمول یارانه‌های صادراتی ممنوع است.

۴. اقدامات صورت گرفته برای سازگاری مقررات صادرات و واردات با الزامات W.T.O.

هر کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی، باید دو کار مهم انجام دهد: یکی منطبق کردن قوانین و مقررات تجاری خود با مقررات سازمان تجارت جهانی و دیگری آزادسازی تجاری و بازکردن بازار کالا و خدمات داخلی بر روی کالاها و خدمات دیگر کشورهای عضو سازمان. بر همین اساس، از زمانی که جمهوری اسلامی ایران تقاضای کتبی خود را برای عضویت در سازمان تجارت جهانی تسلیم دبیرخانه‌ی آن کرده، برای هماهنگی با الزامات این سازمان در بخش قوانین و مقررات، آزادسازی تجاری، گشودن بازار داخلی بر روی کالا و خدمات، ایجاد رقابت و تعدیل برخی مقررات تجاری، و کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اقداماتی نموده است.

تقریباً می‌توان گفت با تصویب و اجرای قانون برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۳)، این اقدامات آغاز شد؛ به عبارت دیگر، کشور ما منتظر شروع مذاکرات با سازمان تجارت جهانی نماند و از زمانی که زمره‌های عضویت در این سازمان مطرح شد، اقداماتی نیز انجام گرفت که برخی از مهم‌ترین اقدامات برای تطبیق قوانین و مقررات کشور با الزامات سازمان تجارت جهانی و آزادسازی تجاری از این قرار است:

- تدوین رژیم جامع تجاری کشور به منظور ارائه به گروه کاری مذاکره‌کننده (ارائه‌ی یادداشت نظام تجارت خارجی کشور به کارگروه الحاقی که حاوی جنبه‌های نظام تجاری و قانونی کشور است، پایه و اساس تصمیم‌گیری‌های گروه کاری است. هر چه این گزارش از شفافیت بیشتری برخوردار باشد به تسریع در روند الحاق کمک خواهد کرد. این گزارش تاکنون چند بار به روز شده است)؛

- پیش‌بینی تعرفه‌ای کردن تمام موانع غیرتعرفه‌ای و کنار گذاشتن موانع غیر فنی بر سر راه تجارت در ماده‌ی ۱۱۵ قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شبیه همین تدابیر در ماده‌ی ۳۳ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم توسعه نیز اندیشیده شده است؛

- لغو مجوزهای ورود؛

- اصلاح قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها؛

- تصویب قانون تجمیع عوارض (بر اساس این قانون، حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمیع گردیده و عوارض معادل ۴ درصد ارزش گمرکی تحت عنوان حقوق ورودی دریافت می‌گردد)؛

- تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه‌ی اجرایی

آن مصوب ۱۳۸۱؛^۱

- رقابتی کردن و خصوصی‌سازی در سیستم بانکی و بیمه؛

- حذف پیمان سپاری ارزی؛

- لغو انحصارات، خصوصی‌سازی و فراهم کردن زمینه برای رشد بخش خصوصی؛

- یکسان‌سازی نرخ ارز؛

- حذف روش‌های دست و پاگیر گمرکی و ساده کردن مراحل صدور و ورود کالا؛

- بازنگری در قوانین، مقررات و ضوابط ناظر بر فعالیت مؤسسات مالی در جهت

هماهنگ کردن این مؤسسات با تحولات داخلی و بین‌المللی؛

- جلوگیری از انحصارات در تجارت خارجی؛

- عضویت در سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) در سال ۱۳۸۰؛^۲

- هدفمندسازی یارانه‌ها و جوایز صادراتی؛

- تصویب و ابلاغ سیاست‌های جدید اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری؛

- نسخ ضمنی برخی از مواد قانون مقررات صادرات و واردات بر اساس قانون اصلاح

موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛^۳

۱. به نظر می‌رسد علی‌رغم سازگاری بیشتر این قانون نسبت به قانون قبلی با الزامات W.T.O، موادی از آن با مقررات

سرمایه‌گذاری در سازمان تجارت جهانی مغایرت دارد. در این باره ر.ک: زارع احمد آبادی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۱-۲۱۰.

۲. درباره‌ی آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در زمینه‌ی مالکیت معنوی (ر.ک: بزرگی، ۱۳۸۳، صص ۵۵۷-۵۶۹).

۳. این قانون مشتمل بر ۱۰ ماده و ۱۹ تبصره در جلسه‌ی علنی روز دوشنبه ۲۲ دی‌ماه ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در

تاریخ ۲۵ دی‌ماه نیز به تأیید شورای نگهبان رسید (در این باره ر.ک: اداره‌ی کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی، ۱۳۸۲،

صص شش و مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱، صص ۱۲۹۰-۱۲۹۷).

- اصلاح برخی از مواد آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات در جهت تسهیل و آزادسازی تجاری و انطباق آن با الزامات W.T.O. (ر.ک: اداره‌ی کل صادرات و واردات وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص هشت تا پنجاه و چهار)؛

- پیش‌بینی اصلاح و بازنگری در قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی، قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ماده‌ی ۳۳ قانون برنامه‌ی توسعه‌ی چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با هدف هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی؛

- پیش‌بینی تهیه و تدوین مقررات ضد دامپینگ در همان قانون.

آن‌چه بیان شد برخی از اقدامات مهم دولت جمهوری اسلامی ایران برای زمینه‌سازی عضویت در سازمان تجارت جهانی است که به نظر می‌رسد این روند تا انطباق کامل قوانین و مقررات کشور با مقررات سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

سازمان تجارت جهانی با هدف آزادسازی و رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در عرصه‌ی تجارت جهانی به وجود آمد. موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی منضم به سند تأسیس W.T.O. متضمن مفاهیم و معیارهای جدیدی است که هدف آن، محدودسازی اقدامات مانع بر سر راه تجارت جهانی است. به همین منظور موافقت‌نامه‌هایی در عرصه‌های مختلف تجاری به تصویب رسیده است که هر کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باید ضمن پذیرش این مقررات، قوانین داخلی خود را نیز با آن تطبیق دهد.

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین قوانینی که باید با الزامات W.T.O. تطبیق داشته باشد، قانون مقررات صادرات و واردات است. این قانون به عنوان شاخص‌ترین قانون در عرصه‌ی تجارت خارجی کشور خودنمایی می‌کند و بیشترین ارتباط را با مقررات سازمان تجارت جهانی دارد. تلاش چندساله‌ی جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در W.T.O.، در خرداد امسال به بار نشست و با پذیرش عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی و آغاز فرایند مذاکرات الحاق به این سازمان، کشور وارد مرحله‌ی تازه‌ای از تعامل با اقتصاد و تجارت بین‌المللی شد. البته باید توجه داشت که پذیرفته شدن تقاضای ایران به معنای الحاق ایران به W.T.O. نیست، بلکه شروع فرایندی است که می‌تواند بسیار طولانی و پیچیده باشد. این فرایند در بردارنده‌ی انجام مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با اعضای سازمان تجارت جهانی است. این مرحله ضمن این‌که برای ما بسیار حساس و حیاتی است

می تواند فرصت خوبی باشد تا ایران با انتخاب کارشناسان خبره و آگاه به قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی، از قدرت چانه زنی بالا در این مذاکرات بهره گیرد تا ضمن کم کردن چالش های احتمالی فراروی کشور، استفاده ی بهینه و مؤثر از مذاکرات در جهت حفظ منافع ملی صورت گیرد. شکی نیست که الحاق ایران به W.T.O آثار و پیامدهایی در حوزه های اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق خواهد داشت، اما هُتر ما این است که بتوانیم این فرایند را به بهترین نحو مدیریت نماییم.

نتیجه این که الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی دارای پیامدها و آثاری در حوزه ی قوانین و مقررات، به ویژه قانون مقررات صادرات و واردات است. بخش هایی از این قانون در تعارض با مقررات W.T.O است که بیشترین تعارض در سه حوزه ی حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت های وارداتی و سیاست های مشوق صادرات است که به نظر می رسد دولت جمهوری اسلامی طی سال های گذشته کوشیده است تا از این تعارضات بکاهد و گام های مهمی نیز در این راه برداشته است. با این حال، لازم است هم زمان با شروع مذاکرات الحاق، کار اصلاح و تعدیل برخی از مقررات مغایر با قوانین سازمان تجارت جهانی صورت پذیرد. هر چند ممکن است مذاکرات حدود یک دهه به طول انجامد، اما باید توجه داشت که استفاده ی مناسب از این فرصت می تواند با تطبیق تدریجی قوانین و مقررات کشور با الزامات سازمان تجارت جهانی از آثار ناگوار مواجهه ی یک باره با اقتصاد و تجارت بین الملل بکاهد.

فهرست منابع و مآخذ

- اداره‌ی کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی، (۱۳۸۴). مقررات صادرات و واردات، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بزرگی، وحید، (۱۳۸۳). «آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری»، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- جلالی، جلال‌الدین، «ایران و سازمان تجارت جهانی»، روزنامه‌ی شرق، شماره‌ی ۴۸۸، دوشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۴.
- دستباز، هادی و دیگران، (بی‌تا). شیوه‌های عملی صادرات و واردات، تهران، انتشارات کمیته‌ی ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی.
- زارع احمدآبادی، محمدحسین، (۱۳۸۳). «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و الزامات W.T.O.»، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- شیروودی، عبدالحسین، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی»، مجله‌ی مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۹.
- شیروودی، عبدالحسین، «سازمان تجارت جهانی»، مجله‌ی مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۷۸.
- طارم سری، مسعود، «جنبه‌هایی از تعارضات حقوق ایران با مقررات سازمان تجارت جهانی»، نشریه‌ی پیام دریا، شماره‌ی ۲۳، خرداد ۱۳۷۴.
- طارم سری، مسعود، (۱۳۷۶). «قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان تجارت جهانی»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- عادلی، محمدحسین، «میزگرد ایران و سازمان تجارت جهانی»، نشریه‌ی دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، سال چهاردهم، شماره‌ی ۱۳۷، اردیبهشت ۱۳۷۹.
- فتحی، یحیی، (۱۳۸۱). بررسی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صادرات ایران در بازارهای هدف، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- کمیجانی، اکبر، «بررسی برخی جنبه‌های اقتصادی و حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (W.T.O.)»، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، سال دوم، شماره‌ی ۷، پاییز ۱۳۷۶.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، چاپ روزنامه رسمی.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱، چاپ روزنامه رسمی.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۳، چاپ روزنامه‌ی رسمی.
- مرادی، حسن، «نقش کشورهای در حال توسعه در چهارچوب موافقت‌نامه تعرفه و تجارت و W.T.O.»، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، سال دوم، شماره‌ی ۷، پاییز ۱۳۷۶.
- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۱۳۷۴). تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی (W.T.O.) و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (۱۳۷۳). سند نهایی دربرگیرنده نتایج مذاکرات دور اروگوئه، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (۱۳۸۳). مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- وهاجی، عبدالحسین، (۱۳۸۳). «بحث و بررسی نظرات و دیدگاه‌های مختلف پیرامون الحاق به W.T.O.»، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات پژوهش‌های بازرگانی.
- Hoekman, Bernard and Kostecki, Michel, (1996). *The Political Economy Of The World Trading System From GATT to W.T.O.*, Oxford: Oxford University Press.
- Hoekman, Bernard, (2002). "The W.T.O.: Functions and Basic Principles", in: Noedman, Bernard and Others (ed.), *Development, Trade and The W.T.O.*, Washington, D.C., World Bank.
- Lal Das, Bhagirath, (1999). *The World Trade Orginzation*, London and New York, Zed Book, Ltd.
- Weiss, Fried, (1998). "The W.T.O. and Progressive Development of International Trade Law", in: *Netherlands Year Book of International Law*, Vol.XXIX.